

1-496 تحلیل معناشناسی پیش‌وند پیش - در زبان فارسی: رویکرد زبان‌شناسی شناختی

آزینا افراشی^۱

فاطمه کوشکی^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۷

تاریخ تصویب: ۹۵/۰۹/۰۴

چکیده

یکی از مفاهیم اصلی در رویکرد زبان‌شناسی شناختی، این است که هر واحد زبانی شبکه‌ای از معانی است. لانگاکر (۱۹۹۱: ۱۶) معتقد است که "تکواژ، مقولات، و ساخت‌های دستوری همگی صورتی از واحدهای نمادین دارند"، از این نظر وندها نیز معنای خاص خود را دارند که آن معنا را به پایه‌ی میزبان می‌افزایند و در نهایت معنای مشتق شکل می‌گیرد. یک پیش‌وند، همانند مقولات واژگانی، مقوله‌ای را تشکیل می‌دهد که همه‌ی معانی خود را که حول یک معنای مرکزی گرد آمده‌اند، رده‌بندی می‌کند. بنابراین می‌توان گفت مشتقات پیش‌وند پیش - نیز مقوله‌ای چندمعنا با یک ساخت درونی نظامند است. در این پژوهش برای تحلیل معناشناختی این پیش‌وند، معانی مشتقات آن را از منظر شناختی به دست آوریم و در نهایت با مشخص کردن شبکه‌ی شعاعی این وند، دو خوشه‌ی معنایی مرکزی تعیین شد که دیگر معانی از این دو گره معنایی منتج می‌شوند: ترتیب زمانی، ترتیب مکانی. از بین این دو معنی، یکی به عنوان معنای اصلی وند مذکور است. برای تشخیص این معنای اصلی از معیارهایی که ایوانز و تایلر (۲۰۰۳) پیش‌نهاد کرده‌اند، بهره گرفته شد. آنگاه مفهوم مکانی این وند چند معنا، به عنوان معنای اولیه می‌باشد که دیگر معانی حول این معنای مرکزی قرار می‌گیرند.

کلید واژه‌ها: زبان‌شناسی شناختی، پیش‌وند - پیش، چندمعنایی، شبکه‌ی شعاعی.

^۱ دانشیار، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ aafraشي@ihcs.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری زبانشناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)؛ f.koushki@ihcs.ac.ir

۱- مقدمه

زبان فارسی از فرایند اشتقاق در ساخت واژه‌های جدید بهره می‌گیرد و این فرایند همانند دیگر فرایندهای واژه‌سازی، در عملکرد خود تعامل نزدیکی با معناشناسی دارد؛ به گونه‌ای که پس از عملکرد این فرایند یک فضای معنایی جدیدی شکل می‌گیرد. برای نمونه وند اشتقاقی پیش - با افزوده شدن به یک واژه، با توجه به نوع پایه یا ستاک، معنای جدیدی ایجاد می‌کند. لذا پژوهش حاضر تلاشی است در جهت پاسخ‌گویی به این سؤال که آیا پیش‌وند پیش - دارای معانی متعددی است و اگر این چنین است، این معانی چگونه به یک‌دیگر مرتبط می‌شوند؟ این پژوهش مبتنی بر چارچوب نظری معناشناسی شناختی که توسط زبان‌شناسانی چون فیلمور^۳ (۱۹۷۷، ۱۹۸۲)، تالمی^۴ (۱۹۸۳، ۱۹۸۵)، فوکونیه^۵ (۱۹۸۵، ۱۹۹۷)، لیکاف^۶ (۱۹۸۷، ۱۹۹۰)، لانگاکر^۷ (۱۹۸۸، ۱۹۹۷) و ایوانز^۸ (۲۰۰۱) و دیگر زبان‌شناسان مطرح شده است، می‌باشد. یک پیش‌وند مقوله‌ای را تشکیل می‌دهد که همه‌ی معانی خود را که حول یک معنای مرکزی گرد آمده‌اند، رده‌بندی می‌کند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و مشتقات حاصل از وندافزایی پیش - به مقولات دستوری مختلف، از فرهنگ سخن و فرهنگ معین گردآوری گردیده و سپس جهت تحلیل دقیق این صورت‌های زبانی تلاش شد که جملاتی نیز به عنوان نمونه‌ی بافت کاربردی این مشتقات، از پایگاه داده‌های زبان فارسی، ارائه شود. سپس داده‌های مزبور طبق مفاهیم شناختی چندمعنایی^۹، مقوله‌بندی^{۱۰}، طرح‌واره^{۱۱}، ادغام مفهومی^{۱۲}، رویدادهای حرکتی^{۱۳}، دینامیک نیرو^{۱۴} تجزیه و تحلیل شدند.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

در این بخش به پژوهش‌های ایرانی و غیرایرانی اشاره می‌شود که به چندمعنایی در زمینه‌ی وندافزایی و به‌ویژه پیشوندافزایی در چارچوب نظریه زبان‌شناسی شناختی پرداخته‌اند.

۱-۲- پژوهش‌های ایرانی

³ Filmore

⁴ Talmy

⁵ Fauconnier

⁶ Lakoff

⁷ Langacker

⁸ Evans

⁹ polysemy

¹⁰ categorization

¹¹ schema

¹² Conceptual blending

¹³ Motion events

¹⁴ Force dynamics

گلفام و کربلایی صادق (۱۳۹۲) هدف از پژوهش خود را بررسی ساخت اسم مکان در فارسی از رهگذر وندها و شبه‌وندهای اشتقاقی با مفهوم مکان عنوان کرده‌اند که علیرغم شباهت در کارکرد، به لحاظ معنایی کاملاً یکسان عمل نمی‌کنند. به همین سبب با بهره‌گیری از سازوکارهای صرف شناختی و دستاوردهای آن، همچون نظریه‌ی مقوله‌بندی و مفهوم سازی به بررسی محدودیت‌های معنایی ناظر بر عملکرد چنین پسوندهایی پرداخته و در نهایت شاخص‌های شناختی دخیل در شکل‌گیری آن‌ها معرفی کرده‌اند.

۲-۲- پژوهش‌های غیرایرانی

متینگر^{۱۵} (۱۹۹۴) برای پیش‌وند منفی ساز -un دو طرح‌واره‌ی تصویری مقیاس^{۱۶} و ظرف^{۱۷} پیش‌نهاد کرده است؛ طرح‌واره‌ی مقیاس برای صفات قطبی مثل *unimportant, uncertain* و طرح‌واره‌ی ظرف برای صفات منفی شده‌ی متناقض مانند *untrue vs. True*. پس‌وند -er به دلیل بسامد رخداد بالا و تنوع معنایی‌اش، توجه تعدادی از زبان‌شناسان شناختی از جمله پانتر و ثورنبرگ^{۱۸} (۲۰۰۱) را به خود جلب نموده است. این دو زبان‌شناس برای پس‌وند مزبور شبکه‌ی معنایی با تعیین معنای اولیه و معانی حاشیه‌ای ارائه داده‌اند. آکوودو^{۱۹} (۲۰۰۳) به بررسی کارآیی مدل نقشی-واژی (FLM) برای توصیف و تعبیر واحدهای واژگانی وابسته به همراه نگاهی خاص به سازوکارهای شناختی که زیربنای پیش‌وندافزایی مکانی در زبان انگلیسی است، پرداخته است. هماوند^{۲۰} (۲۰۰۹، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳) در پژوهش‌هایی متعدد به ترتیب، پیش‌وندهای منفی ساز، مدرج^{۲۱} و مکانی را طبق نظریات مقوله‌بندی، حیطه‌ی شناختی و مفهوم‌سازی مورد بررسی قرار داده است. بالازس^{۲۲} (۲۰۱۰) به طور کلی رفتار پیش‌وندها را از نقطه نظر محتوای معنایی در نظریات مختلف و به‌خصوص معنی‌شناسی شناختی مورد توجه قرار داده است. ملینگر^{۲۳} (۲۰۱۱) موضوع رساله‌ی دکتری خود را به تحقیق آزمایشگاهی در بازنمودهای مشتقات پیش‌وندی به هدف نمایان‌سازی نحوه‌ی تشخیص اطلاعات ساخت‌واژی در واژگان ذهنی، اختصاص داده است. برخی از زبان‌شناسان روسی نیز پیش‌وندهای زبان روسی را در چارچوب نظریه زبان‌شناسی شناختی بررسی کرده‌اند (میزوئی^{۲۴}، ۲۰۱۱، کروتسنس^{۲۵}، ۲۰۱۱). جاندا^{۲۶} (۲۰۱۱) از بین ظرفیت‌های شناختی، به مجاز در سطح واژه‌سازی پرداخته است و استدلال می‌کند در بسیاری از موارد روابط معنایی بین ستاک‌ها، وندها و کلمات ایجاد شده را می‌توان برحسب مجاز تحلیل نمود و این چنین تحلیلی، طبقه‌بندی بهتر و دقیق‌تر از توصیفات سنتی ارائه می‌دهد.

¹⁵ Metinger

¹⁶ Scale

¹⁷ container

¹⁸ Panther and Thornburg

¹⁹ Acovedo

²⁰ Hamawand

²¹ Degree prefixes

²² Balazs

²³ Melinger

²⁴ Mizoe

²⁵ Chrotensen

²⁶ Janda

زبان‌شناس بلغاری تجیزماروف^{۲۷} (۲۰۰۶ و ۲۰۱۲) شبکه‌ی معنایی و معانی پیش‌نمونه و حاشیه‌ای پیش‌وندهای فعلی -pre nad- و -por را در زبان بلغاری از منظر زبان‌شناسی شناختی مورد توجه قرار داده است که شبکه‌های معنایی -nad- و -por هر کدام یک معنای مرکزی مشترک دارند که ناشی از مفهوم فضایی مرکزی هر کدام از این وندها، روابط نزدیک بین پیشوندها و حروف اضافه و شباهت‌های ساختاری این دو وند است. ساریک^{۲۸} (۲۰۱۳) پیش‌وند فعلی -na در زبان کرواتی^{۲۹} را تحلیل نموده است و نشان داده که تعداد کمی از مشتقات این وند به یکدیگر مرتبطند و تمرکز عمدتاً بر معنای فضایی این وند بوده است. آبروسیموف^{۳۰} (۲۰۱۳) پسوندهای -er, -ee, -ent/-ant, -ist را تحلیل نموده و نشان می‌دهد که فرایندهای اشتقاقی پیوندی ناگسستگی با این ایده دارد که زبان پدیده‌ای ذهنی است و بر سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات متمرکز است. هارتمن و هولزل^{۳۱} (۲۰۱۴) تحلیلی در زمانی و پیکره‌ای از پنج پیش‌وند پربسامد در زبان آلمانی طبق نظریه‌ی دینامیک نیرو ارائه داده‌اند.

۳- چارچوب نظری

پیش از تحلیل داده‌ها لازم است مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش حاضر در نظریه‌ی شناختی به دقت تشریح و تبیین گردد، مفاهیمی که مسلماً ما را در درک بهتر ویژگی‌های معنایی فرایند پیش‌وندافزایی و به‌طور خاص وند پیش - کمک خواهد کرد. از این‌رو در ابتدا نگاهی گذرا خواهیم داشت بر نگرش رویکردهای زبانی مختلف نسبت به واژه‌سازی، سپس مفاهیم چندمعنایی، مقوله‌بندی، شبکه‌ی شعاعی، طرح‌وارگی، ادغام مفهومی، رویدادهای حرکتی و دینامیک نیرو به تفصیل تشریح خواهد شد شایسته است اشاره داشته باشیم به علت ارائه‌ی این مفاهیم در این مقاله؛ از آن‌جا که پژوهش حاضر در مورد معانی متعدد پیش - است لذا توجه به اصطلاحات چندمعنایی، مقوله‌بندی و شبکه‌ی شعاعی اجتناب‌ناپذیر است چرا که واضح است این اصطلاحات در مورد معنا و تعدد معنا و نیز نحوه‌ی چیدمان معانی در یک تکواز و واژه کارآمد هستند. طرح‌وارگی و ادغام مفهومی به دلیل این که در روند تبیین معانی دخیلند، از این‌رو در بخش مفاهیم نظری گنجانده شده‌اند. پیش - جزء وندهایی است که قبل از ستاک‌های فعلی از جمله افعال حرکتی می‌آید، به همین خاطر ارائه‌ی رویدادهای حرکتی و دینامیک نیروی تالمی در این بخش الزامی به نظر می‌رسد.

۱-۳- ملاحظات معناشناختی فرایندهای واژه‌سازی در رویکردهای زبان‌شناسی مختلف

در روش سنتی طبقه‌بندی محور، کوئرک^{۳۲} و دیگران (۱۹۸۵) به صورت ساخت‌واژی^{۳۳} توجه داشتند، یعنی یک پایه و وند وجود دارد که وندها به پیش‌وند و پس‌وند تقسیم می‌شوند. به پیش‌وندافزایی در وندافزایی پرداخته می‌شد اما به محتوای

27 Tchizmarova

28 Saric

29 Croation

30 Abrosimova

31 Hartman and Holzl

32 Quirk

33 Morphological form

۲۲۰۵۱، ۱۰/۱۳۳.۲۰۱۶. jlr. فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

معنایی پیش‌وندها توجهی نمی‌شد. مارچاند^{۳۴} (۱۹۶۹) در توصیف ساخت‌گرایی طبقه‌ای^{۳۵} خود، پیش‌وندها را تکواژهای وابسته‌ای می‌داند که به پایه‌ای که هسته محسوب می‌شود، متصل می‌گردد. مارچاند توصیف‌های خود را بر مبنای رویکرد هم‌نشینی واژه‌سازی^{۳۶} بنا می‌نهد که در آن، هم‌نهشت‌های واژه‌سازی به‌عنوان سازه‌های دستوری کوتاه شده مورد نظرند که هم‌نهشت‌ها با یک‌دیگر رابطه‌ی توصیفی دارند؛ بدین معنا که اولین عنصر توصیف کننده‌ی دومین عنصر است. ساخت‌گرایان برای زبان سطوح مجزا قائل بودند. معناشناسی نیز به‌عنوان یک سطح مجزا معرفی می‌شد اما به محتوای معنایی توجه خاصی نداشتند بلکه به ساختار معنایی^{۳۷} می‌پرداختند. در رابطه با پیش‌وندافزایی هم بدون این که به معنا توجهی داشته باشند، ساختار معنایی مشتقات تجزیه و تحلیل می‌شد. این ساختار معنایی بر صورت ساخت‌واژی و ساختار مبتنی بود که به‌عنوان اساسی برای دیدگاه ترکیبی^{۳۸} مسلط در آن زمان به حساب می‌آمد، یعنی معنای صورت پیچیده را از تحلیل اجزای سازنده‌ی آن به دست می‌آوردند. رویکردهای معناشناسی صوری^{۳۹} اصل ترکیبی معنایی را به‌عنوان یکی از تفکرات پایه (اصل فرگه‌ای^{۴۰}) به کار می‌برند. هر چند رویکردهای معناشناسی صوری و نیز رویکردهای ساخت‌واژی ساخت‌گرایی تشخیص دادند که این اصل نمی‌تواند تبیینی برای برخی از پدیده‌های زبانی مثلاً اصطلاحات^{۴۱} و آرایه‌های ادبی^{۴۲} باشد. آدامز^{۴۳} (۲۰۰۱: ۱۲) معتقد است که می‌توانیم کلمه‌ی unclean را براساس الگوی آشنای un+adjective بسازیم، درحالی که همین فرایند برای dirty قابل استفاده نیست. آدامز به همراه دیگر نظریه‌پردازان (متیوز^{۴۴} ۱۹۷۴ و یسن^{۴۵} ۱۹۹۰) بر این نظر است که وندهای اشتقاقی عناصری دستوری هستند نه واژگانی. این دیدگاه دستوری به وندافزایی، در سنت زایشی‌ها^{۴۶} (آرونوف ۱۹۷۶ و یسن ۱۹۹۰) مشهود است. اسپنسر^{۴۷} (۲۰۰۱: ۲۲۷) می‌گوید صرف اشتقاقی مقوله‌ی نحوی کلمه را تغییر می‌دهد اما هیچ معنایی به آن نمی‌افزاید.. آدامز (۲۰۰۱: ۳۰) نیز اظهار دارد که وندها صورت‌های وابسته‌ای هستند که معنای کلی تری نسبت به عناصر کاملاً دستوری دارند. در مقابل رویکردهای صوری، نقش‌گرایان و شناختیون بر روابط میان صورت و معنا متمرکز می‌باشند. این رویکردها عمدتاً مبتنی بر آثار لانگاکر (۱۹۸۷ و ۱۹۹۱) می‌باشد. چون لانگاکر در دستور شناختی بین واحدهای واژگانی و دستوری در مفهوم سنتی آن تمایز قائل نمی‌شود و واژه‌سازی را بخشی از یک توصیف یک‌پارچه قلمداد می‌کند و معتقد است که واحدهای واژه‌سازی را به مانند واحدهای

³⁴ Marchand

³⁵ Taxonomic structuralist account

³⁶ Word-formation syntagma approach

³⁷ Semantic structure

³⁸ Compositionality analysis

³⁹ Formal semantics

⁴⁰ Ferege's principle

⁴¹ idioms

⁴² Figure of speech

⁴³ Adams

⁴⁴ Matthews

⁴⁵ Jensen

⁴⁶ generativist

⁴⁷ Spencer

واژگانی بسیط می توان بسط معنایی داد با این تفاوت که به واحدهای واژگانی، می توان واژه و وند افزود. وی برای بررسی فرایندهای واژه سازی از مقوله بندی، نما/زمینه^{۴۸} و هم سازی^{۴۹} استفاده می کند.

۲-۳- چندمعنایی

واژه ی چندمعنایی برای نخستین بار توسط برآل^{۵۰} (۱۸۹۷) در قرن نوزدهم به عنوان بخشی از مطالعات تغییر معنایی مطرح شد. استفان اولمان^{۵۱} [۱۹۵۷] [۱۹۵۱] اشاره دارد این حقیقت که برخی کلمات دارای شبکه ای از چند معنای مرتبطند، محور اصلی تحلیل معناشناسی محسوب می شود. پنجاه سال پس از اولمان و یک قرن بعد از برآل، چندمعنایی دوباره در معناشناسی شناختی مدرن در نوع هم زمانی و در زمانی و نیز معناشناسی شناختی و هوش مصنوعی در کانون توجه قرار گرفت (لواندوسکا^{۵۲}، ۲۰۰۷: ۱۳۹). امروزه روشن است بررسی چندمعنایی اهمیت خاصی برای هر پژوهش معناشناختی زبان و شناخت دارد. از این رو چندمعنایی را می توان به مثابه ی ابزاری ترجیحی برای شبکه ی نظریات به هم مرتبط زبان، معنا و شناخت دانست که در طول قرون ۲۰ و ۲۱ مطرح شد و راه بردهایی برای پژوهش های آتی در مورد زبان و شناخت ارائه داده است. با شکوفایی زبان شناسی شناختی در دهه ی ۱۹۸۰، نظریات جدیدی هم در حوزه ی مردم شناسی و روان شناسی و مهم تر از همه در مورد این که چگونه انسان مقولات را بر اساس پیش نمونه ها و شباهات خانوادگی بنا می نهد، مطرح شد. برای توصیف چندمعنایی از روش های مقوله بندی و شبکه ی شعاعی^{۵۳} بهره گرفته شده است که به اختصار به این موارد پرداخته خواهد شد. شایان ذکر است که پژوهش حاضر از شیوه ی شبکه ی شعاعی جهت توصیف وند پیش - استفاده می کند.

۱-۲-۳- مقوله بندی

لیکاف (۱۹۸۷: ۵-۷) بر این باور است که هیچ پدیده ای ابتدایی تر و ساده تر از مقوله بندی در ذهن، ادراک، عملکرد و گفتار انسان وجود ندارد. هر مقوله بخشی از نظام مقولات را به خود اختصاص می دهد و معنای آن مبتنی بر رابطه اش با مقوله های مجاور و نیز جایگاهش در نظام مقولات تعیین می گردد. بر همین اساس، ساخت مقوله های جدید در این نظام را نمی توان بدون تاثیر گذاری بر مقوله های دیگر در نظر گرفت؛ چرا که زبان همانند یک اکوسیستم عمل می نماید که مقولات زبانی هر یک جایگاه خاصی از آن را به خود اختصاص داده اند. در معناشناسی شناختی همان طور که لیکاف (۱۹۸۷) و تیلور^{۵۴} (۱۹۹۸) نشان داده اند، توصیفات زبان شناختی بر مبنای نظریه مقوله بندی است. طبق این نظریه، اکثر واحدهای واژگانی ماهیتاً از نظر معانی متعدد، چندمعنایی هستند. یک واحد واژگانی شبکه ای پیچیده از مفاهیم مرتبط را

48 Figure/ground

49 accommodation

50 Bre`al

51 Stephen Ullamann

52 Lewandowska

53 Radial network

54 Taylor

تشکیل می‌دهند و پیش‌نمونه هم‌عضوی از مقوله است که دارای ویژگی اصلی و مهم آن است؛ بدین معنا که از نظر ترتیب، نخستین مفهومی است که به ذهن فرد متبادر می‌گردد و برجسته‌ترین نمونه‌ی مقوله خود محسوب می‌شود. علاوه‌براین عضو پیش‌نمونه از نظر بسامد وقوع رخداد بالاتری دارد (تیلور ۱۹۹۸: ۵۲). اعضای دیگر هر مقوله نیز که به اعضای حاشیه‌ای معروفند، دیگر معانی واحد واژگانی مورد نظر محسوب شده که به واسطه بسط معنایی به پیش‌نمونه مقوله خود مرتبط می‌شوند و جایگاه‌شان درون مقوله براساس میزان شباهتشان با پیش‌نمونه تعیین می‌گردد.

۲-۲-۳- شبکه‌ی شعاعی

بروگمان^{۵۵} و لیکاف (۱۹۸۸ و لیکاف ۱۹۸۷) مدل شبکه‌ی شعاعی را این گونه شرح می‌دهند که کلمات چندمعنایی به صورت شعاعی دارای مقولات مرتبط هستند، هرچند که هر کدام از معانی می‌توانند خود یک ساختار پیش‌نمونه‌ای پیچیده باشند. عضو مرکزی مقوله‌ی شعاعی، یک مدل شناختی ایجاد می‌کند که معانی غیرمرکزی را انگیزه می‌کند. معانی خوشه‌ای بسط‌یافته در حواشی مقوله‌ی مرکزی به‌وسیله پیوندهایی مثل طرح‌واره‌های تصویری، استعاره، مجاز و جزء آن به یک‌دیگر مرتبط می‌شوند. لیکاف (۱۹۸۷: ۸۳) اشاره می‌کند مقوله‌ی مرکزی یا پیش‌نمونه پیش‌بینی‌پذیر است، درحالی که اعضای غیرمرکزی نسبت به عضو مرکزی از میزان پیش‌بینی‌پذیری کمتری برخوردارند و تنها از طریق عضو اصلی شناخته می‌شوند؛ بدین معنا که با عضو اصلی شباهت خانوادگی دارند. زبان‌شناسان شناختی در مواردی برای تحلیل معنای حروف اضافه از طرح‌واره‌های خاصی کمک می‌گیرند. در این طرح‌واره‌ها دو چیز در نظر گرفته می‌شود: مسیرپیما^{۵۶} (پدیده‌ای که در یک خط مسیر قرار می‌گیرد) و زمینه‌ی ثابت^{۵۷} (حدودی معین که ممکن است مسیرپیما داخل آن باشد یا نباشد). مسیرپیما ممکن است حالات گوناگونی داشته باشد؛ در حال حرکت یا سکون باشد. همه‌ی این حالات گوناگون به معنای واژه‌ی مورد نظر در جمله بستگی دارد. مسیرپیما را با Tr زمینه‌ی ثابت را با Lm نشان می‌دهیم. ضمناً ایوانز و تایلر (۲۰۰۳) مجموعه‌ای از معیارها را برای تشخیص معنای اولیه‌ی حروف اضافه‌ی over ارائه می‌دهند که نگارنده در تعیین معنای اصلی پیش - از این دو معیار استفاده خواهد کرد. این معیارها عبارتند از: الف) اولین معنای تایید شده؛ با در نظر گرفتن ماهیت ثابت و پایدار از مفهوم‌سازی، روابط مکانی در یک زبان معنایی به‌عنوان معنای اولیه انتخاب می‌شود که به لحاظ تاریخی اولین معناست. شواهد تاریخی بیانگر آنند که اولین معنای تایید شده به ترکیب‌بندی مکانی بین نقطه‌ی ثابت و نقطه‌ی متحرک مربوط می‌شود. ب) رخداد غالب در شبکه‌ی معنایی: منظور از رخداد غالب در شبکه‌ی معنایی، تعداد بسامد حضور یک مفهوم در یک شبکه‌ی معنایی می‌باشد.

۳-۳- طرح‌وارگی^{۵۸}

زبان‌شناسی شناختی برای تحلیل فرایند واژه‌سازی از طرح‌واره استفاده نموده است. در این جا طرح‌واره را از دیدگاه لانگاکر و لیکاف ارائه می‌دهیم. از نظر لانگاکر (۱۹۸۷: ۱۳۲) استخراج طرح‌واره به معنای توانایی در عمومیت^{۵۹} بخشیدن

⁵⁵ Brugman

⁵⁶ trajector

⁵⁷ landmark

⁵⁸ schematicity

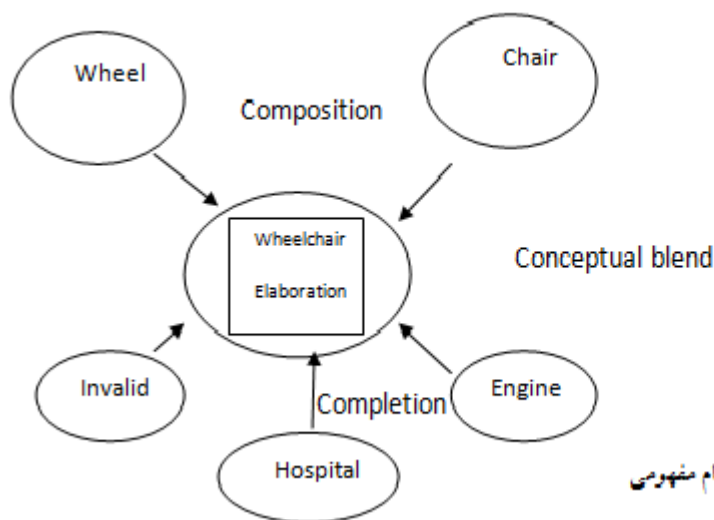
⁵⁹ Generalize

است و آن را یکی از اصلی‌ترین توانایی‌های شناختی نوع بشر قلمداد می‌کند. طرح‌واره مستلزم تشخیص عمومیت‌های اصلی و حذف جزئیات بی‌اهمیت‌تر است که ممکن است از یک مفهوم یا تجربه‌ی شناختی تا دیگر تجارب و مفاهیم شناختی متفاوت باشد. این توانایی می‌تواند در هر حیطه یا تلفیقی از حیطه‌های شناختی قابل استفاده باشد. به نظر لیکاف (۱۹۸۷: ۲۶۷-۲۶۸) طرح‌واره که به آن طرح‌واره‌ی تصویری^{۶۰} می‌گویند، ساخت‌های نسبتاً ساده‌ای هستند که دائماً در تجارب بدنی روزمره‌مان تکرار می‌شوند. ظروف، مسیرها^{۶۱}، پیوندها^{۶۲}، نیروها^{۶۳}، تعادل^{۶۴} و در جهت‌گیری‌ها^{۶۵} و روابط: بالا-پایین^{۶۶}، جلو-عقب^{۶۷}، جزء-کل^{۶۸}، مرکز-حاشیه^{۶۹}؛ این‌ها ساختارهایی هستند که معنای مستقیم دارند، چون این ساختارها به دلیل ماهیت بدنی و شیوه‌ی کارکردی شان در محیط اطرافمان، مستقیماً و مکرراً تجربه می‌شوند.

۴-۳- ادغام مفهومی

اکثر فرایندهای واژه‌سازی مستلزم ترکیب معنایی یا امتزاج است و این خود شرایط لازم را برای تحلیلی مبتنی بر ادغام مفهومی که فوکونیه و ترنر^{۷۰} (۲۰۰۲: ۴۸-۴۹) پیش‌نهاد نموده‌اند، فراهم می‌کند. نظر بر این است در حالی که دو فضای ورودی، محتوای مفهومی دو جزء را منعکس می‌کنند، فضای ادغامی ساختار ترکیبی را نشان می‌دهد که در دو فضای مجزا نخواهد بود. فوکونیه فرایند ادغام را مستلزم سه نوع فرایند مفهومی می‌داند: ترکیب^{۷۱}، تکمیل^{۷۲} و تدقیق^{۷۳}. مثلاً در مورد واژه‌ی مرکب wheelchair به تصویر زیر توجه کنید: فرایند ترکیب به ویژگی‌های فرافکنده شده از دو فضای ورودی مربوط می‌شود؛ مرحله‌ی تکمیل یعنی افزودن دانش پس‌زمینه که در این جا با مفاهیم hospital, engine, invalid نشان داده شده است و این خود موجب پیدایش یک ساختار مفهومی جدید می‌گردد که توسط مربعی در فضای ادغامی نشان داده شده است. در نهایت مرحله‌ی تدقیق، آزمونی برای تصحیح و تثبیت محتوای مفهومی فضای ادغامی می‌باشد.

60 Image schema
61 paths
62 links
63 forces
64 balance
65 orientations
66 Up-down
67 Front-back
68 Part0whole
69 Center-periphery
70 Turner
71 composition
72 completion
73 elaboration



شکل (۱): فرایند ترکیب به صورت ادغام مفهومی

۳-۵- رویدادهای حرکتی

تالمی (۱۹۸۵) و (a و b ۲۰۰۰) بحثی درباره‌ی تجزیه و تحلیل ساخت رویدادی افعال حرکتی مطرح می‌کند. او معتقد است هر رویداد حرکتی از دو عنصر اصلی شیوه (سازه‌ی دارای محتوی) و مسیر (جهت) تشکیل شده است و زبان‌های دنیا براساس این که مشخصاً در کدام بخش هسته‌ی طرح‌واره‌ای - روی فعل یا روی یک قمر - گره رویدادی خود را بیان می‌کنند، از نظر رده‌شناختی به دو مقوله تقسیم می‌شوند: فعل - قالب^{۷۴} و قمر - قالب^{۷۵} (تالمی، ۲۰۰۰b: ۲۱۷-۲۱۹). گفتنی است اسلوبین^{۷۶} در مقاله‌ی خود، دسته‌ی سومی را نیز به این تقسیم‌بندی دوگانه‌ی تالمی افزوده است: زبان هم - قالب^{۷۷}: مسیر و روش در این نوع زبان با صورت‌های دستوری هم‌ارز بیان می‌شود. منظور اسلوبین از صورت‌های یا عوامل هم‌ارز، عواملی هستند که از نظر صورت زبانی و هم‌چنین قدرت و اهمیت، برابر و هم‌ارز هستند (اسلوبین، ۲۰۰۴: ۲۲۸). در این نوع از زبان‌ها، انواع ساختارهای موجود با توجه به نوع زبان عبارتند از: الف) فعل بیانگر شیوه + فعل بیانگر مسیر: زبان‌هایی که دارای افعال ترتیبی^{۷۸} هستند. در این نوع ساختار، دو فعل که دارای وزن معنایی یکسان هستند، شیوه و مسیر را بیان می‌کنند. ب) فعل بیانگر مسیر + شیوه: زبان‌هایی که شیوه و مسیر در یک فعل، با هم بیان می‌شوند یا زبان‌هایی که دارای افعال دو قسمتی هستند. ج) پیش فعل بیانگر شیوه + پیش فعل بیانگر مسیر + فعل: زبان‌هایی که در آن‌ها عنصری مانند یک قمر، شیوه و مسیر را قبل از فعل بیان می‌کند. قالب در این دسته‌بندی‌ها به مفاهیمی مانند مسیر، نمود و ... اشاره دارد که رویداد فعلی را شکل می‌دهند یا آن را محدود می‌کنند.

⁷⁴ Verb-frame

⁷⁵ Satellite-frame

⁷⁶ Slobin

⁷⁷ Equipollently-framed language

⁷⁸ Serial verbs

۶-۳- دینامیک نیرو

طبق نظر تالمی (۲۰۰۰: ۴) معناشناسی شناختی، مطالعه‌ی شیوه‌ی سازماندهی محتوای مفهومی زبان است. از این رو وی (همان: ۲۱) پنج نظام طرح‌واره‌ای برای زبان‌های مختلف طبق مجموعه مفاهیم شاخص دستوری که شکل دهنده‌ی نظام ساخت مفهومی زبان است، ارائه داده است: ساختار ترکیب‌بندی^{۷۹}، مکان نقطه نظر^{۸۰}، توزیع توجه^{۸۱}، دینامیک نیرو و حالت شناختی^{۸۲}. در این بخش نظرات تالمی را تنها در مورد دینامیک نیرو مطرح خواهیم کرد. در واقع تالمی نظام طرح‌واره‌ای دینامیک نیرو را نخستین بار به عنوان یک مقوله‌ی معنایی اصلی در حیطه‌ی نیروی فیزیکی و به طور خاص به عنوان تعمیمی برای مفهوم زبانی سببی ارائه داد (تالمی، ۱۹۸۱، ۱۹۸۵، ۱۹۸۸، ۲۰۰۰: ۴۰۹-۴۷۰). الگوی دینامیک نیرو که زیربنای همه‌ی الگوهای پیچیده‌تر دینامیک نیرو است، تقابل وضعیت دو نیرو است (تالمی، ۲۰۰۰: ۴۱۳). در زبان به دو شرکت کننده در صحنه‌ی واقعی، دو نقش معنایی متفاوت اعطاء می‌شود: اولین شرکت کننده، آگونیست^{۸۳}، شرکت کننده‌ای است که در کانون توجه می‌باشد زیرا مسئله‌ی اصلی در این تعامل این است که آیا آگونیست می‌تواند نیروی خود را بروز دهد یا خیر؛ دومین شرکت کننده، آنتاگونیست^{۸۴}، به تاثیری که بر آگونیست می‌گذارد مربوط می‌شود، به عبارت دیگر بر نیروی آگونیست غلبه می‌کند یا خیر. زبان ماهیت‌هایی را نشان می‌دهد که دارای نیروی ذاتی هستند: آن‌ها یا ذاتاً تمایل به حرکت دارند یا تمایل به ماندن.

۴- تحلیل داده‌ها

در بررسی معنایی وند پیش- در ابتدا معانی مختلف این وند را در اتصال با مقولات دستوری مختلف، از فرهنگ سخن استخراج نموده که مجموعاً ۶۳ مشتق در این راستا جمع‌آوری شد. سپس برای مشتقات موجود جملات شاهده‌ی را از فرهنگ سخن و پایگاه داده‌های زبان فارسی آورده و مشتق مورد نظر در بافت جمله مورد بررسی قرار گرفت که رابطه‌ی معنایی مشتق مزبور با دیگر عناصر موجود در جمله تصریح شود. تحلیل‌های معنایی در بخش (۱-۴) با توضیحات مبسوط ارائه شده است.

۱-۴- تحلیل معنایی پیش-

از تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، دو خوشه‌ی معنایی از بین مفاهیم مختلف وند پیش- تشخیص داده شده است: ترتیب زمانی، ترتیب مکانی که مفهوم جهت حرکت رو به جلو زیر مجموعه‌ی مفهوم مکانی است. شایسته است اشاره گردد که در بیان ترتیب‌های زمانی و مکانی دو رخداد یا پدیده از حروف انگلیسی بزرگ یا کوچک استفاده شده است. اگر دو رخداد از یک نوع و یک مقوله باشند، آن‌گاه برای یکی از آن‌ها یک حرف انگلیسی بزرگ مثل A می‌آید و برای دیگری، با افزودن پریم A' نشان می‌دهیم که این دو از یک نوع هستند و تنها تقدم و تاخر بر آن‌ها حاکم است. اما وقتی

⁷⁹ Configurational structure

⁸⁰ Location of perspective point

⁸¹ Distribution of attention

⁸² Cognitive state

⁸³ agonist

⁸⁴ antagonist

دو رویداد از یک مقوله و نوع نباشند از دو حرف انگلیسی بزرگ و متمایز مثل A و B استفاده می‌شود. در مواردی هم که می‌خواهیم رابطه‌ی کل به جزء را نشان دهیم، از یک حرف بزرگ مثل A و یک حرف کوچک a که جزئی از A است استفاده می‌کنیم.

الف- ترتیب زمانی

در یک بافت، ممکن است دو کنش داشته باشیم که از نقطه نظر زمان رخداد، یکی بر دیگری تقدم داشته باشد که این ترتیب رخداد را می‌توان با تکواژهایی مانند پیش - مفهوم‌سازی کرد.

۱- تقدم زمانی

وقتی دو یا چند پدیده یا رویداد با فاصله‌ی زمانی خاصی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، یکی از آن‌ها زودتر از دیگری رخ می‌دهد که این تقدم رخدادی با افزودن پیش‌وند پیش - به پایه‌ی کلمه‌ی مورد نظر نشان داده می‌شود. ضمناً برخی از این پدیده‌ها یا رویدادها ممکن است همه از یک نوع و مقوله باشند و برخی دیگر شباهت چندانی با هم نداشته باشند. در بخش‌های پیش‌رو با جزئیات بیشتر به موارد مورد نظر پرداخته می‌شود.

۱-۱- رخداد A قبل از B

پیش‌برگ ← قبل از دریافت اعتبار پیش‌پرداخت ← قبل از دریافت خدمات یا کالا
پیش‌خرید ← قبل از توزیع کالا ۸) فرهاد یک دستگاه اتومبیل از ایران خودرو پیش‌خرید کرده است.
پیش‌فروش ← قبل از آماده شدن کالا ۹) پیش‌فروش آپارتمان‌ها شروع شد.
کلیه‌ی مشتقات فوق چه پدیده‌ها و کنش‌های A و چه B همگی در حیطه‌ی معنایی فعالیت‌های اقتصادی قرار می‌گیرند، اما پدیده یا کنش A شبیه به پدیده یا کنش B نیست علاوه‌براین بین A و B فاصله‌ی زمانی وجود دارد و A زودتر از B انجام گرفته است و بر آن تقدم زمانی دارد.

پیش‌ساخته ← قبل از به‌کارگیری؛ پیش‌ساخته چیزی است که قبلاً در جایی و زمانی خاص و توسط عاملی ساخته شده است برای این که در جایی و زمانی دیگر به کار رود، مانند دیوار پیش‌ساخته، گچ‌بری پیش‌ساخته. بنابراین ایجاد این ماهیت‌ها، قبل از زمان استفاده از آن‌ها رخ داده و تمام شده است.

پیش‌گفته ← قبل از نقل قول دوباره؛ پیش‌گفته نیز به مانند پیش‌ساخته، کلامی است که در مکان و زمانی خاص و توسط شخصی بیان شده و ممکن است بعدها تنها به عنوان نقل قول، آن کلام تکرار شود. مانند نمونه‌ی (۱۰):
۱۰) در بحث‌های پیش‌گفته یادآور شدیم که...

در مشتقات پیش‌آگهی، پیش‌اندیشی، پیش‌گویی، پیش‌بینی و پیش‌داوری، فرد از قبل در مورد اموراتی، به ترتیب اطلاع می‌دهد، می‌اندیشد، می‌گوید، می‌بیند (استعاری) و قضاوت می‌کند. این مشتقات در نمونه‌های زیر به کار رفته است:

۱۱) سرطان ریه پیش‌آگهی بدی دارد.

۱۲) ای پسر اندیشه را مقدم گفتار دار تا بر گفته پشیمان نشوی که پیش‌اندیشی دوم کفایت است.

۱۳) خیلی‌ها ادعای پیش‌گویی دارند، اما آینده صحت و سقم ادعای آن‌ها را ثابت می‌کند.

۱۴) پیش‌بینی‌ها در مورد نتیجه‌ی مسابقه درست درنیامد.

۱۵) بهتر است درباره‌ی این مسئله از پیش‌داوری پرهیز کنیم.

نگارنده از دو شکل متفاوت برای نشان دادن پدیده‌های A و B استفاده کرده است تا عدم تشابه این دو نمایان‌تر باشد. شکل (۲) گویای این مطلب است که بین این دو پدیده ترتیب زمانی وجود دارد و یکی بر دیگری از نظر زمان رخداد تقدم دارد، یعنی A بر B متقدم است.

۲-۱- رخداد A قبل از A'



شکل (۲) تقدم زمانی A بر B

در مشتقات جدول (۱) رخداد برخی پدیده‌ها از نظر مناسبات اجتماعی ممکن

است الزامی باشد و برخی خیر. به عنوان نمونه ممکن است در مراسمی خاص،

پیش غذا قبل از غذای اصلی تناول شود اما در مهمانی‌های خودمانی چنین چیزی

مدنظر نباشد؛ مشتقات پیش‌پرده، پیش‌واقع، پیش‌قرارداد، پیش‌نویس و پیش‌گفتار نیز چنین ویژگی دارند یعنی رخداد

آن‌ها الزامی نیست مثلاً ممکن است قراردادی نوشته شود بدون آن‌که قبل از آن پیش‌قراردادی صورت گیرد. درمورد

پیش‌درد نمی‌توان گفت رخداد پیش‌درد قبل از درد اصلی (درد زایمان) مطمئناً اتفاق می‌افتد یا خیر چرا که این یک

ویژگی فیزیولوژیکی و فردی و طبیعی است و در همه‌ی افراد ممکن است ایجاد نشود. اما در مورد پیش‌دبستانی،

پیش‌دانشگاهی، پیش‌امضاء و پیش‌نیاز از نظر قوانین اجتماعی وضع شده، حتماً باید فرد مرحله‌ی A را طی کند تا بتواند به

مرحله‌ی A' برسد درغیر این صورت فرایند تغییر (تغییر پدیده از مرحله‌ای به مرحله‌ی دیگر) متوقف می‌شود. درواقع رخداد

پدیده‌ی A مقدمه‌ای **ضروری** برای رخداد پدیده‌ی A' است. لازم به ذکر است که وجه اشتراک همه‌ی مشتقات فوق

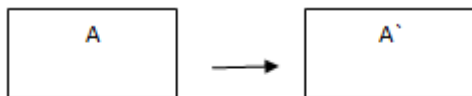
الذکر این است که A مقدمه‌ای برای A' محسوب می‌شود. به سخن دیگر اگر قرار باشد که هر دو پدیده رخ دهند، ابتدا

پدیده‌ی A باید رخ دهد و پس از آن پدیده‌ی A' اجراء می‌شود.

پیش‌درد، قبل از درد اصلی	پیش‌درآمد، قبل از قطعه‌ی موسیقی اصلی
پیش‌غذا، قبل از غذای اصلی	پیش‌واقع، قبل از اجرای تعزیه
پیش‌قرارداد، قبل از قرارداد اصلی	پیش‌پرده، قبل از نمایش
پیش‌نویس، قبل از نوشته‌ی اصلی	پیش‌دبستانی، قبل از دبستان
پیش‌گفتار، قبل از گفتار اصلی	پیش‌دانشگاهی، قبل از دانشگاه
پیش‌نیاز، قبل از نیاز اصلی	پیش‌امضاء، قبل از امضای اصلی

جدول (۱) نمونه مشتقات پیش -

در موارد اشاره شده، با حداقل دو پدیده یا کنش روبرو هستیم که یکی از آنها نسبت به دیگری، از نظر زمانی زودتر اتفاق می‌افتد اما تفاوتی که این مشتقات با مشتقات بخش (۱-۱) دارند این است که هر دو مورد A و A' از یک نوع و مقوله هستند و به هم شبیه‌اند از این رو برای نشان دادن رابطه‌ی زمانی و تشابه میان آنها، نگارنده از دو شکل یکسان استفاده نموده است:



شکل (۳) رخداد A قبل از A'

۳-۱- رخداد a قبل از A

پیش‌خور ← حقوق کامل پیش‌قسط ← کلیه‌ی اقساط

پیش‌کرایه ← کرایه‌ی کامل پیش‌بها ← بهای کامل

از صورت‌های اشتقاقی پیش‌بها، پیش‌قسط، پیش‌کرایه و پیش‌خور چنین برمی‌آید که این مشتقات بخش یا بخش‌هایی از کل بها، قسط، کرایه و حقوق هستند یا به عبارت دیگر a بخشی از A است که a از نظر زمانی زودتر از A انجام شده است. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

(۱۶) مجبور شدم مبلغی پیش‌بها پرداخت کنم تا لباس را برایم نگاه‌دارد.

همان‌طور که از جمله‌ی فوق برمی‌آید کل مبلغ پرداخت نشده است بلکه مقداری از مبلغ مورد نظر داده شده پیش از این که تحویل لباس انجام گیرد.

(۱۷) یخچال را قسطی خریدم، پنجاه هزار تومان پیش‌قسط دادم.

این نمونه نیز بیان‌گر این است که مبلغ پرداختی بخش‌بندی شده و تنها بخش اول (قسط) از آن در ابتدا پرداخت شده که این بخش، جزئی از کل مبلغ است.

(۱۸) حقوق‌بگیران همیشه پیش‌خورند.

در مورد صورت اشتقاقی پیش‌خور هم بخش یا بخش‌هایی از حقوق قبل از پرداخت حقوق مصرف می‌شود.

بدین ترتیب اگر این کُل A را به چند قسمت تقسیم کنیم بخشی از آن بخش‌های تقسیم شده یعنی a ، زودتر از بخش‌های دیگر تجلی می‌یابند.

۴-۱- تقدم زمانی فردی بر فرد یا افراد دیگر

(۱۹) دلاوران پیش‌جنگ دلیرانه پیش آمدند.

(۲۰) او از مکاتبه‌ی کوه‌یار با حسن و پیش‌دستی حسن خبر نداشت.

(۲۱) پیش‌مرگان و عشایر غیور ضربات کوبنده‌ای بر دشمن متجاوز وارد آوردند.

(۲۲) درویشان واقعی پیش‌سلام بودند.



شکل (۴) رخداد a قبل از A

در صورت‌های اشتقاقی مشخص شده، افرادی که چنین ویژگی دارا هستند، از نقطه نظر جنگیدن، یاری کردن، کشته شدن و سلام کردن زودتر از سایرین اقدام می‌کنند.

ب- ترتیب مکانی

۱- قرار گرفتن چیزی در جلوی فضایی که در پایه به آن اشاره شده

پیش‌بخاری، پیش‌ایوان، پیش‌خانه، پیش‌طاق، پیش‌خان، پیش‌سینه، پیش‌کام، پیش‌وند، پیش‌لنگ، پیش‌دامن، پیش‌فنگ، پیش‌کاسه.

(۲۳) یک مجسمه روی پیش‌بخاری گذاشته بودند. (۲۴) تازه‌وارد روی پیش‌خان حجره نشست.

(۲۵) پیش‌سینه‌ی او توسط دو قلاب بسته می‌شود.

در این موارد با نوعی تصویرگونگی روبرو هستیم بدین معنا که با اضافه شدن پیش‌وند پیش - به پایه، چیزی به مفهوم پایه اضافه می‌شود و در عین حال در واقعیت نیز چیزی به آن ماهیت اشاره شده در پایه نیز اضافه شده است. علاوه‌براین با توجه به اصل ترکیب، از عناصر سازنده‌ی مشتقات فوق می‌توان به سهولت به معنای کل واژه دست یافت و این خود نشان دهنده‌ی شفافیت معنایی واژه‌ی به‌دست آمده است.

۲- قرار گرفتن A قبل از A'

پیش‌شماره: پیش‌شماره‌ی تلفن: از نظر ترتیب جا، A باید قبل از A' قرار بگیرد. بدین معنا که دو فضا برای قرار دادن شماره و پیش‌شماره وجود دارد که پیش‌شماره در اولین فضا قرار می‌گیرد و دومی در فضای بعدی و از آن جا که تقدم فضایی منجر به تقدم زمانی نیز می‌شود لذا با قرار گرفتن پیش‌شماره در جای نخست، از لحاظ زمانی نیز پیش‌شماره نسبت به شماره‌ی اصلی در الویت است. ضمناً این ترتیب قراردادی و از قبل تعریف شده است.



شکل (۵) قرار گرفتن A قبل از A'

۳- اهمیت و برجستگی

پیشاهنگ، پیش‌خدمت، پیش‌قراول، پیش‌کار، پیش‌کسوت، پیش‌نماز

(۲۶) هنوز پیشاهنگ کاروان به نواقلی نرسیده بود که مورد تهاجم قرار گرفت.

(۲۷) این جا هتل نیست که دائماً پیش‌خدمت عوض کنیم.

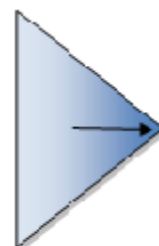
(۲۸) امور مالی خود را در فرانسه به یکی از دوستان واگذاشت که اداره کند و در واقع پیش‌کار او باشد.

(۲۹) من به عنوان اولین فارغ‌التحصیل مدرسه‌ی سیاسی و پیش‌کسوت قوم، دعوت نامه‌ها را امضاء کردم.

(۳۰) پیش‌نماز مسجد بلند قامت بود.

در صورت‌های اشتقاقی مذکور، فردی از بین گروهی از افراد که همگی نقش و عملکرد یکسانی دارند، از نظر جایگاه اجتماعی جلوتر است. در سلسله مراتب اجتماعی این افراد نسبت به افراد آن مجموعه در جایگاه بالاتری قرار می‌گیرند. هم‌چنین همگی این افراد در یک صف‌بندی واقعی جلوتر از دیگران می‌ایستند. مثلاً شخص پیش‌نماز در صفوف نماز

جلوتر از بقیه می‌ایستد. در مورد مشتق پیش خدمت ذکر این توضیح ضروری است که پیش خدمت مترادف پیش کار است که در دوره سلطنت قاجار پیش خدمتی خود یکی از مناصب درباری به حساب می‌آمد. پیش خدمت‌ها مهم‌تر از فراش خلوتان بودند و بندرت پیش می‌آمد که برخی از فراش خلوت‌ها، به علت ویژگی‌های شخصی، برخلاف معمول، محترم‌تر از پیش خدمت‌ها باشند. در این دوره پیش خدمتی اعتبار فزاینده‌ای یافت، چنان‌که به



شکل (۶) اهمیت و برجستگی

ویژه پیش خدمت‌ان شاه که از آنان غالباً با عناوینی چون «پیش خدمت حضور»، «پیش خدمت خاصه» و «پیش خدمت همایونی» یاد می‌شده، چندان اهمیت یافتند که رسیدن به مرتبه آنان غایت آرزوی برخی از شاهزادگان نیز بود. علاوه بر موارد مطرح شده در پاراگراف پیشین، کلمه‌ی اشتقاقی پیش زمینه هم وجود دارد که به دلیل داشتن معنای مهم و برجسته بودن در این بخش لحاظ گردیده است.

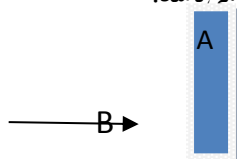
۴- قرار گرفتن مانع A در قسمت جلوی B

(۳۱) پیش گیری، پیش بند، پیش بندی

(۳۲) اقدامات شهرداری باعث پیش گیری از حوادثی مثل آتش سوزی و سیل شده است.

(۳۳) وظیفه‌ی آدمی برای حفظ خود تهیه‌ی اسباب پیش بندی حوادث است.

ستاک‌های بند و گیر هر دو مفهوم انسداد با خود به همراه دارند از سویی دیگر، با افزوده شدن وند پیش - به این ستاک‌ها، محل دقیق انسداد مشخص می‌شود که قسمت جلو م باشد.



شکل (۱۱) قرار گرفتن مانع A در قسمت جلوی B

۵- جهت حرکت: رو به جلو

در صورت‌های اشتقاقی این بخش، وند پیش - با افزوده شدن به ستاک‌های لازم یا متعدی، معانی جدیدی ایجاد می‌کنند. ستاک‌های مزبور افعال حرکتی هستند که یا ذاتاً دارای ویژگی حرکت هستند یا این که عاملی بیرونی مسبب ایجاد حرکت می‌شود. در مسیر این حرکت که رو به جلو است ممکن است فعل مورد نظر بدون هیچ مانعی حرکت کند یا با مانعی برخورد کند. لازم است اشاره‌ای داشته باشیم که وند پیش - در این جا قمر محسوب می‌شود که جهت حرکت در مسیر را نشان می‌دهد.

۵-۱- حرکت بدون مانع

پیشامد، پیش آمده، پیش تاز، پیش رفت، پیش روی، پیش افتاد

(۳۴) ناظم مدرسه با سرکچل و شکم پیش آمده به او نزدیک شد.

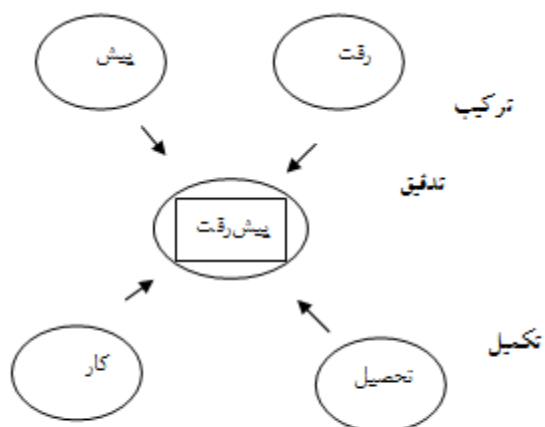
(۳۵) پیش رفت کویر در جلگه باعث نابودی زمین‌های کشاورزی می‌شود.

(۳۶) وقتی که شما در تمدن پیش رو بودید، لغاتی در زبان شما وجود داشت که در زبان‌های دیگر نبود.

ستاك‌های رفت، رو، آمد و تاختن جزء افعال مسير نما هستند و با افزوده شدن پیش‌وند فعلی پیش - به این ستاک‌ها، جهت حرکت که رو به جلو و در مسیری افقی است، نیز به مفهوم افعال مذکور اضافه می‌شود. وند پیش - قمر فعل به حساب می‌آید. لازم به ذکر است این افعال ذاتاً دارای ویژگی حرکت هستند؛ به دیگر سخن جزء افعال حرکتی در زبان فارسی هستند. ضمناً فعل تاختن شیوهی حرکت را نیز نشان می‌دهد که مفهوم سرعت را در حرکت با خود دارد. با طرح واره‌ی ادغامی به خوبی رابطه‌ی میان وند و ستاک را می‌تواند نشان دهد. ابتدا ویژگی‌های دو فضای درونداد فرافکنده می‌شوند، سپس دانش دایره‌المعارفی اضافه می‌گردد (کار و تحصیل) و در مرحله‌ی آخر، مرحله‌ی تدقیق، فضای ادغامی تثبیت می‌شود.

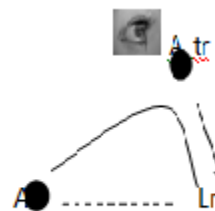
۳۷) ایشان را تقلیل طعام کردن ... و روزه داشتن بهتر باشد و صلاح دل باکمال تر و پیش‌افتاد کار آخرت بیش تر.

از جمله‌ی (۳۷) استنباط می‌شود تقلیل طعام کردن و روزه داشتن در ابتدا انجام می‌گیرند سپس آن‌ها را برای وقت دیگر مورد استفاده قرار می‌دهند که این وقت در پیش روی فرد قرار دارد و آن امورات را برای بهره‌برداری در آینده می‌فرستند. همان‌طور که شکل زیر نشان می‌دهد فرد امورات A را برای زمانی جلوتر می‌فرستد و این خط منحنی دال بر پرتاب چیزی به طرف جلو و رسیدن آن در نقطه‌ای در آینده است. علت این که مسیر به این شکل نشان داده شده، این است که کنش افتادن همواره پرتاب از جایی بلند به طرف



شکل (۷) ادغام مفهومی «پیش‌رفت»

پایین است و نوعی حرکت از آن استنباط می‌شود هر چند حرکت واقعی نیست و استعاری است چون مسیری وجود دارد که در آن حرکت رو به جلو، طرح‌واره‌ی آینده را نشان می‌دهد که همان دنیای آخرت پس از مرگ است و حتی مضمون انباشتگی نیز از این صورت کلمه استنباط می‌شود چون وقتی چند چیز را در مسیری یکسان پرتاب می‌کنیم که مقصد فرود همه‌ی آن‌ها یکی است، همه‌ی آن پدیده‌های پرتابی، روی هم انباشته می‌شوند.



شکل (۸) طرح‌واره‌ی فعل حرکتی پیش‌افتاد

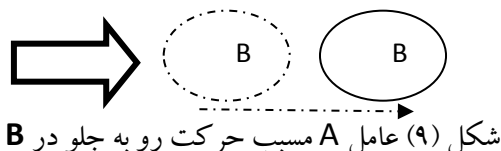
۲-۵- عامل A مسبب حرکت رو به جلو در B

پیش‌ران، پیش‌رانه، پیش‌برد، پیش‌کشی. حرکت در این افعال ویژگی ذاتی آن‌ها نیست بلکه عاملی بیرونی باید بر پدیده‌ی مورد نظر نیرو وارد کند تا آن پدیده به حرکت درآید. وند پیش - نیز جهت رو به جلوی حرکت را نشان می‌دهد. به عبارت

۲۲۰۵۱، ۱۰/۴۱۳۳/۲۰۱۶. jlr. فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)
دیگر نوعی نیروی فیزیکی باید به کنش پذیر وارد شود تا بتواند حرکت کند. لازم به یادآوری است که این حرکت می تواند واقعی باشد یا غیر واقعی؛ مانند پیش برد در جمله‌ی (۳۵) حرکتی واقعی نیست اما عامل بستر رودخانه و حوالی آن باعث جلو رفتن کنش پذیر (کار) شده است.

(۳۸) بهترین مرکز برای پیش برد این کار، بستر رودخانه و حوالی آن بود.

(۳۹) طبعاً کلیه اعیان به حضور او به مبارک باد و تهنیت می رفتند و پیش کش برای او می بردند.



۳-۵- حرکت رو به جلو از نقطه‌ی الف به نقطه‌ی ب و جای گرفتن در نقطه‌ی ب

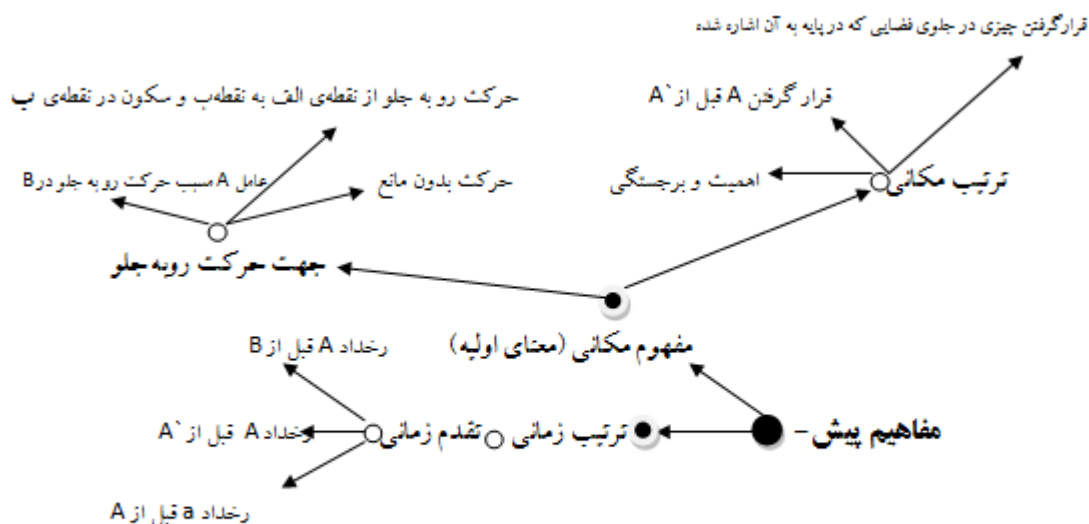
(۴۰) پروانه که نور شمع افروخت / چون پیش نشین شمع شد سوخت (۴۱) به شما توصیه می کنم پیش نهاد مرا قبول کنید. نشستن فعل لازم و نهادن فعل متعدی است، اما علت قرار دادن این دو در یک زیر بخش این است که هر دو فعل قبل از رسیدن به نقطه‌ی ب که در موضع مقابل نقطه‌ی الف قرار دارد، حرکت نموده‌اند تا به مقصد یعنی نقطه‌ی ب برسند؛ این حرکت در مورد فعل نشستن مربوط به فاعل است و در فعل نهادن عاملی وجود دارد که چیزی را به حرکت درمی آورد (کنش پذیر). بدین ترتیب هر دو صورت اشتقاقی بعد از حرکت از یک نقطه‌ی خاص و رسیدن به نقطه‌ی دیگر، در مقابل هدف مورد نظر قرار می گیرند.

شکل (۱۰) حرکت رو به جلو از نقطه‌ی الف به نقطه‌ب
(Tr)

۲-۴- نتایج تحلیل داده‌ها

همان طور که از تحلیل معنایی وند پیش- در بخش (۱-۴)، مشخص است، این وند دارای معانی متنوعی است اما دو خوشه‌ی معنایی مرکزی وجود دارند که دیگر معانی از این دو گره معنایی منتج می شوند: ترتیب زمانی و ترتیب مکانی. از بین این دو معنی، یکی به عنوان معنای اصلی وند مذکور است. برای تشخیص این معنای اصلی از معیارهایی که ایوانز و تایلر (۲۰۰۳) پیش نهاد کرده‌اند، بهره می گیریم. اولین معیار در رابطه با شواهد تاریخی است که می تواند تاییدی بر معنای اولیه باشد. در فرهنگ لغت عمید برای واژه‌ی پیش این معنای موجود است: (اسم) [پهلوی: pēš, pat(i)š] ۱. [مقابل پس] جلو. ۲. (قید) قبل؛ سابق؛ در زمان گذشته. ۳. (حرف اضافه) نزد. در فرهنگ لغت دهخدا برای پیش- هشت معنی ارائه شده است که به جزء دو معنا (برگ درخت خرما و خردمند) از هشت مورد، مابقی مفهوم مکانی دارند: دندان پیش، مقابل و بخش قدامی چیزی، کنار و ساحل، جلو و نزدیک؛ علاوه بر این کلمه‌ی مزبور در کلماتی مانند آسیاب پیش، بیه پیش و بیه پس (نام دو منطقه در گیلان) به عنوان پس وند مکانی استفاده شده‌اند. هم چنین یکی از معانی

پیش، ضمه می‌باشد که در فرهنگ دهخدا به عنوان یکی از سه حرکت حروف مطرح شده‌اند؛ دو حرکت دیگر زبر (فتح) و زیر (کسر) هستند. نظر نگارنده بر این است که با توجه به این که در تولید حرکت ضمه (ُ) حالت لب‌ها به طرف جلو کشیده می‌شود پس می‌توان گفت این هم نوعی حرکت رو به جلو است و مفهوم مکانی دارد. اما در داده‌های جمع‌آوری شده از فرهنگ لغت پهلوی، تعداد مشتقات پیش - که مفهوم زمان دارند، بیش از مشتقات مکانی می‌باشد: pēšdaxšak (پیش‌خبر)، pēšdāt (پیش‌آفریده)، pēšdād (پیشداد). طبق معیار اول در تعیین معنای اصلی، به عبارت دیگر کاربرد شواهد تاریخی جهت تعیین معنای اصلی یک صورت زبانی، و با توجه به مطالب پاراگراف‌های پیشین، با تسامح معنای مکانی (روبه جلو) معنای اصلی وند پیش - محسوب می‌شود. با توجه به معانی به دست آمده از تحلیل معنایی پیش - و معانی ارائه شده در فرهنگ سخن، در رابطه با معیار دوم، یعنی رخداد غالب در شبکه‌ی معنایی، از تعداد ۶۳ واژه‌ی تحلیل شده، ۳۴ مورد معنای مکانی دارند و مابقی مفهوم ترتیب زمانی که این دال بر غالب بودن مفهوم مکانی نسبت به مفهوم زمانی است. لازم است اشاره داشته باشیم که گره معنایی جهت حرکت رو به جلو نیز، مفهوم مکانی دارد چرا که جابه‌جایی از یک مکان به مکان دیگر رخ می‌دهد. از این رو معنای اصلی وند پیش - مکانی است.



شکل (۱۱) شبکه شعاعی از معنای پیش -

۵- نتیجه‌گیری

در پایان به عنوان جمع‌بندی بحث حاضر و پاسخ به سؤال پژوهش که آیا وند پیش - دارای معنای متعددی است و اگر این گونه است این معنای چگونه به یک دیگر مرتبط می‌شوند؛ می‌توان بیان کرد که از منظر زبان‌شناسی شناختی و به طور خاص معناشناسی شناختی و براساس تحلیل داده‌های منتخب، مشخص شد که این وند جزء صورت‌های زبانی است که از ویژگی چندمعنایی برخوردار است. از بررسی ۶۳ مشتق حاصل از وندافزایی پیش‌وند پیش - به مقولات دستوری مختلف، دو معنا به دست آمد که هر کدام از آن‌ها نیز زیر مقولات مفهومی مختلفی داشتند. از بین این خوشه‌های معنایی، معنای مکانی به عنوان معنای اولیه، طبق معیارهای ایوانز و تایلر (۲۰۰۳) یعنی شواهد تاریخی و بسامد رخداد در شبکه شعاعی،

۲۲۰۵۱، ۱۰/۱۳۳۳.۲۰۱۶. jlr. فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء(س)

معرفی شد که سایر معانی حول این معنای مرکزی قرار گرفتند. لازم به توضیح است که در نگاه اول گمان می‌رود معنای «جهت حرکت روبه جلو» معنایی معجزا باشد اما چون حرکت در مکان رخ می‌دهد از این رو این مفهوم نیز در بخش تقدم مکانی قرار می‌گیرد... ضمناً در مواردی از جمله «پیش‌شماره» با درگیری تنگاتنگ مفهوم مکان و زمان مواجه بودیم که در این موارد با توجه به این که زمان مفهومی است انتزاعی و رخداد آن در مفهوم مکان اتفاق می‌افتد از این رو تفکیک مفاهیم تقدم مکانی و زمانی در مشتقاتی از این دست چندان آسان نیست. برای بسط این پژوهش می‌توان مشتقات حاصل از افزودن این وند که در معادل‌سازی‌هایی که فرهنگستان زبان فارسی انجام داده است مورد بررسی قرار داد. لازم به ذکر است فرهنگستان زبان فارسی برای پیش‌وندهای *fore-*, *pre-*, *pro*, *ante* از معادل فارسی پیش - استفاده کرده است.

منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، تهران.
- پایگاه داده‌های زبان فارسی. pldb.ihcs.ac.ir
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳) لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران: تهران.
- عمید، حسن (۱۳۴۲) فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- گلفام، ارسلان و مهناز کربلایی صادق (۱۳۹۲) "نگاهی بر واژه‌های مرکب و مشتق مکان‌ساز در فارسی: رویکرد شناختی"، جستارهای زبانی، انتشارات آنلاین. irr.modares.ac.ir
- معین، محمد (۱۳۸۲) فرهنگ معین (یک جلدی)، انتشارات زرین، تهران.
- Abrosimova, L. (2013) "Word-formation in the context of multi-disciplinary cognitive paradigm". *International journal of cognitive Research in Science, Engineering and Education*. Vol 1, No. 1. pp: 1-6.
- Acovedo, E.S (2003) "A functional interpretation of locative prefixes in English language". *Journal of English Studies*: V. 4, pp: 197-222.
- Adams, V. (2001) *Complex Words in English*. Harlow: Longman.
- Aronoff, M. (1976) *Word-formation in Generative Grammar*, Cambridge MA: MIT Press.
- Balazs, B. (2010) "semantic aspects of English prefixation: Acognitive linguistic account". *Jelen tanulmany megjelentese a TAMOP*, pp: 81-88.
- http://www.bdtf.hu/btk/Hatrvok%20a%20BTK%20ves%20kiadvnya/HAT%C3%81RS%C3%81VOK%202011_12/Bal%C3%A1zs%20Bernadett%20Semantic%20aspects%20of%20English%20prefixation.pdf
- Brugman, C., and George Lakoff (1988) Cognitive topology and lexical networks. In Steven L. Small, Garrison W. Cottrell, and Michael K. Tanenhaus, eds., *Lexical Ambiguity resolution: Perspective from psycholinguistics, neuropsychology, and artificial intelligence*, pp: 477-508. San Mateo, CA: Morgan Kaufmann.
- Chrotensen, J. H. (2011) *the prefix po- and aspect in Russian and polish: A cognitive Grammar account*, degree of doctor of philosophy, www.theses.com.
- Fauconnier, G. and Mark Turner (2002) *The way we think: conceptual blending and the mind's hidden complexities*. New York: Basic Books.
- Evans, V. and Andrea Tyler (2001) "Reconsidering Prepositional Polysemy Networks: The Case of *Over*". *Language*, 77, 4, 724-765.
- Fillmore, Ch. (1977) "scenes-and-frames semantics". In Antonio Zampollo. (ed.) *Linguistic Structures Processing*, North Holland, pp: 55-81.
- Fillmore, Ch. (1982) "Frame Semantics". In *Linguistics in the Morning Calm*. Hanshin, Seoul, pages 111-138. Linguistics Society of Korea
- Fauconnier, G. (1982) *Mental spaces: aspects of meaning construction*. Cambridge: Cambridge University.
- Fauconnier, G. (1997) *Mappings in Thought and language*. New York: Combridge University Press.
- Hamawand, Z. (2009) *The semantics of English negative prefixes*, Equinox published Ltd.
- Hamawand, Z. (2011) *Morphology in English, Word formation Cognitive Grammar*. New York: Continuum International Groups.
- Hamawand, Z. (2011) "Prefixes of degree in English: A cognitive corpus Analysis", *open journal of modern linguistics*, vol. 1, No. 2, pp:13-23.

- Hamawand, Z. (2013) "Prefixes of spatiality in English: A study in Cognitive Linguistics". *Theory and practice in Language Studies*, VOL. 3, PP: 736-747.
- Hartman, S.. and Andreas Holzl. (2014) "Prefixation and force dynamics: A corpus-based study in German prefix constructions". *5th UK Cognitive Linguistics Conference*, Lancaster University: www.lancaster.ac.UK/fass/events/uk-CLA5
- Janda, L.A. (2011) "Metonymy in word formation". *Cognitive linguistics* 22-2, 359-392.
- Lakoff. George (1987) *Women, fire, and dangerous things: what categories reveal about the mind*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G., and Zolt an Kovecses (1987) "The cognitive model of anger inherent in American English". In Dorothy Holland and Naomi Quinn, Eds., *Cultural models in language and thought* 195-221. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1990) "the invariance hypothesis: is abstract reason based on image schemas". *Cognitive Linguistics* 1:39-74.
- Langacker, Ronald (1988a) "A view of linguistic semantics". In Brygida Rudzka-Ostyn (ed.) *Topics in Cognitive Linguistics*: 49-90.
- Langacker, R. (1987) *Foundations of cognitive Grammar, Volume 1: Theoretical prerequisites*. Stanford CA: Stanford University Press.
- Langacker, R. (1991) *Foundations of cognitive Grammar, Volume 2: Descriptive Application*. Stanford CA: Stanford University Press.
- Langacker, R. (1997) "Consistency, dependency and conceptual grouping". *Cognitive Linguistics* 8: 1-32.
- Lewandowsak, B. (2007) "Polysemy, prototypes, and radial categories", In: Geeraerts, Dirk and Cuyckens, Hurbert (Eds.) 2007. *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*. Oxford University Press: Oxford.
- Jensen, J. T. (1993) *Morphology*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Marchand, H. (1969) *The categories and types of present-day English word-formation*, Beck: Munchen.
- Matthews, P. H. (1974) *Morphology*, Cambridge University Press: Cambridge.
- Melinger, A. (2011) *Morphological complexity in English prefixed-words: An Experimental Investigation*. Degree of doctor of philosophy, University of New York at Buffalo, linguistic.buffalo.edu.
- Mettinger, A. (1994) "Un- prefixation in English: Expectations, formats, and results". *Munsterches Logbuch der Linguistik*: 17-13.
- Mizoe, T. (2011) *A cognitive semantic of s-prefixed Russian loan verbs from English and other Languages*, grade of philosophy Doctor (Ph.D) Department de langues et linguistique, Universite Lvala: Quebec.
- Panther, K., and Linda Thornburg (2001) "A conceptual analysis of English -er nominals". In Martin Putz, Susanne Niemeier, and Rene Dirven, eds., *Applied cognitive linguistics II: Language pedagogy* 149-200. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Qirk, R., Sidney-Leech, Geoffrey-Svartvik, Jan. (1985) *A Comprehensive grammar of the English language*, Longman: London-New York.
- Saric, L. (2013) *The verbal prefixes na- in Croation: A cognitive linguistic analysis*, Prihvaen, zatnak 22.
- Slobin, D.I. (2004). "The Many Ways to Search For a Frog: Linguistic Typology and the Expression of Motion Events". In Strömquist S. and Verhoeven L. (Eds) (2004). *Relating Events in Narrative: Vol. 2. Typological and Contextual Perspectives* (pp:219- 257). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Spencer, A. (2001) *Morphology*. In: M. Aronoff and J. Rees-Miller (Eds) *The handbook of linguistics* (pp.213-237) Malden, MA: Blackwell.
- Talmy, L. (2000b). *Toward a Cognitive Semantics: Typology and Process in Concept Structuring*. V 2. Cambridge University Press: Cambridge.

- Talmy, L. (2007). "Lexical Typologies". in Shopen, T. (ed.). *Language typology and Syntactic Universals*. (2nd edition). Cambridge :Cambridge University Press.
- Taylor, J.. R. (1998). "Syntactic constructions as prototype categories". In M. Tomasello (Ed.), *The new psychology of language: Cognitive and functional approaches to language structure* (pp. 177–202). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Tchizmarova, I.K. (2006) "A cognitive linguistics analysis of the Bulgarian verbal prefixes". Retrieved from: <http://seelrc.org>
- Tchizmarova, I.K. (2012) "A cognitive linguistics analysis of the Bulgarian verbal prefixes". *Jezitoslovlje*, pp:2109-260.
- Tyler, A. & Vyvyan Evans. 2003. *The Semantics of English Prepositions: Spatial Scenes, Embodied Meaning and Cognition*. Cambridge: Cambridge University Press.

Semantic analysis of pish- prefix in Persian language: Cognitive Linguistics Approach

Azita Afrashi⁸⁵

Fatemeh Koushki⁸⁶

Abstract

One of the concepts in cognitive linguistics approach is that each linguistic unit is a network of meanings. Langacker (1991: 16) believes that "morpheme, categories, and grammatical structures, all are a form of symbolic units", in this respect affixes also have specific meaning which is added to base and at last a derivation is created. An affix as lexical categories forms a category whose meanings is collected around a core meaning. Therefore we can say derivations of 'pre-'⁸⁷ prefix also has several meanings with a organized internal structure. In this article for analyzing this affix, its derivations are studied in cognitive linguistics perspective and we achieve its different meanings and finally by determining radial network of this affix, two meaning cluster determined that other meanings are stemmed from these two meanings: temporal order and spatial order. One of these meanings, spatial meaning is selected as core meaning and for doing it we used two factors that Evans and Tylor (2003) proposed. Then spatial meaning of this polysemy affix is primary meaning that other meanings are posited around it.

Key words: cognitive linguistics, pre- prefix, polysemy, radial network.

⁸⁵ Associate Professor, Institute of Humanities and Cultural Studies; aafrahi@ihcs.ac.ir.

⁸⁶ Phd Student in linguistics, Institute of Humanities and Cultural Studies; f.koushki@ihcs.ac.ir.

⁸⁷ در فرهنگستان زبان فارسی برای پیشوندهای ante و fore-, pro معادل پیش- را پیشنهاد کرده‌اند.